



منافع قدرتهای جهانی در دریای مازندران به هم برخورد کردند

کامیلژان قلندرف^۱

به رغم اهمیت شایان اقتصادی، ذخایر انرژی منطقه مجاور دریای مازندران برای غرب تعیین کننده نیستند. لکن کشورهای غربی مایلند بر تمام ذخایر مواد اولیه شوروی سابق دسترسی داشته باشند. به همین دلیل نفت دریای مازندران فقط قدم اول در اجرای آن هدف سیاسی است که هر وسیله‌ای را تهرئه می‌کند. مبالغی که در این بازی روی میز هستند هنگامت می‌باشند، زیرا غرب هرگز از هدف بیرون راندن روسیه از منطقه دریای مازندران دست نخواهد کشید.

دریای مازندران و نواحی مجاور آن ممکن است در قرن آینده به بزرگترین منطقه صادرکننده نفت به بازار جهانی تبدیل شود. توان نفتی این منطقه عظیم به حدی ملموس است که مراکز تحلیلی یک رشته کمپانی‌های بزرگ نفتی جهان آن را حتی خوش‌دورنماتر از منطقه بی‌ثبات خلیج فارس تلقی می‌کنند. بنابه ارزیابی‌های مختلف ذخایر نفتی اعماق دریای مازندران بیش از ۱۳ میلیارد تن است. به همین دلیل سال به سال رقابت بین غولهای تجارت جهانی نفت بر سر این ذخایر شدت بیشتری می‌گیرد. چنانکه جریان امور نشان داد، سال ۱۹۹۷ آن سالی خواهد بود که در آن «انتخاب طبیعی» صورت خواهد گرفت و مواضع کشورهای درگیر در بازی دریای مازندران تعیین خواهند شد. ویژگی این بازی آن است که از آن بیشتر بوی سیاست می‌آید تا نفت.

اینکه تاکنون مسئله تعیین موقعیت حقوقی دریای مازندران حل نشده باعث داغتر

۱. کامیلژان قلندرف از اعضای هیأت تحریریه روزنامه نژاوسیمایاگازتا است.



شدن بحث می‌شود. همزمان همه بخوبی درک می‌کنند که نه تنها به بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از ذخایر دریای مازندران بلکه به حفظ ثبات منطقه‌ای امید نیست. حین بررسی جریانات حول و حوش دریای مازندران به آسانی می‌توان درک کرد که تعیین دقیق موقعیت دریا به نفع همه نیست و به همین دلیل به‌طور آگاهانه و مداوم حل مسئله به تعویق می‌افتد.

اگر به این مسئله از نقطه‌نظر حقوق بین‌المللی نزدیک شویم، پس دریای مازندران حوضه آبی سربرسته است و به هیچ‌وجه نمی‌توان مفاهیم دریای باز مانند «فلات قاره» و «حوزه انحصاری اقتصادی» را نسبت به آن به کار گرفت. ولی طرفین ذی‌نفع - کشورهای مجاور دریای مازندران - در این مورد نقطه‌نظر خود را دارند که با موازین موجود حقوق دریایی مغایر هستند. در این مورد بیشتر اصول منفعت سیاسی و اقتصادی کار می‌کنند. به همین دلیل مسئله تعیین موقعیت دریا هنگام حل مسئله دریای مازندران اهمیت درجه یک پیدا می‌کند. برای مثال روسیه معتقد است که دریای مازندران مورد بهره‌برداری دسته‌جمعی باید باشد و موقعیت آن توسط قراردادهای شوروی - ایران منعقد سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعیین شود. هرگونه اقدامات یک‌جانبه محق نخواهند بود و از طرف روسیه به رسمیت شناخته نخواهند شد. اگر این الفاظ را از زبان دیپلماتیک به زبان عادی ترجمه کنیم معنی‌اش این خواهد بود که روسیه خواستار حق و تو در مورد هر تصمیمی در دریای مازندران است.

واقعاً، پایه حقوقی اختیارات منحصربه‌فرد روسیه در دریای مازندران همین قراردادهای ایران و شوروی هستند. با قبول محق بودن این قراردادها، باید گفته شود جمهوری‌های سابق شوروی و کشورهای مستقل کنونی در آن قراردادها شرکت نکرده بودند و لذا می‌توانند از قبول شرایطی که با منافع اقتصادی و سیاسی این کشورها در موقعیت جدید مطابقت ندارند امتناع ورزند.

روسیه، ایران و ترکمنستان پیشنهاد می‌کنند در مورد دریای مازندران فرمول «حوضه آبی سربرسته» قبول شود.

در صورت قبول فرمول «حوضه آبی سربرسته»، تعلق باریکه ۲۰ مایلی «آبهای ساحلی» به کشورهای مجاور پیش‌بینی شده است. این باریکه به‌عنوان بخشی از آبهای کشور تلقی می‌شود که مرز دولتی کشور از آن می‌گذرد. در این منطقه و فضای آبی آن و ذخایر عمق آن کشور دارای حق حاکمیت است. مطابق با این برنامه بعد از «آبهای ساحلی» ۲۰ مایل

«منطقه اقتصادی انحصاری» قرار دارد که در آن کشور حق بهره‌برداری از ذخایر دریا و عمق آن را دارد و در مورد تحقیقات علمی نیز محق به فعالیت است.

در این منطقه تمام کشورهای مجاور دریا حق رفت و آمد هوایی و دریایی، کشیدن کابل و خط لوله و دیگر امکانات استفاده از دریا مطابق با حقوق بین‌الملل را دارند. بخش باقی‌مانده خارج از این باریکه ۴۰ مایلی منطقه مورد استفاده تمام کشورهای مجاور دریای مازندران و زیر اداره مشترک آنها است. تمام تصمیمات در مورد استفاده از این منطقه مطابق با تصمیمات هماهنگ شده تمام کشورها اتخاذ می‌شوند.

آذربایجان به‌نوبه خود خواستار شناسایی دریای مازندران به‌عنوان «دریاچه» و تقسیم آن به ۵ بخش است که هرکدام از آنها «آبهای ساحلی» کشوری شمرده خواهد شد و حق استفاده انحصاری از این منطقه به این کشور تعلق خواهد داشت. پیشنهاد یا کو با استقبال گرم روسیه، ایران و ترکمنستان مواجه نشده است به این دلیل که در این صورت نفت‌خیزترین بخشهای دریا به آذربایجان و قزاقستان متحد آن تعلق می‌گیرند.

مورد «دریاچه مرزی» که از طرف آذربایجان پیشنهاد شده است بر تجربه بین‌المللی موجود متکی است. در این صورت دریای مازندران به منزله «دریاچه مرزی» کشورهای همجوار آن تلقی می‌شود و به بخشهای متعلق به آنها تقسیم می‌شود و در هر بخش هر کشور حق حاکمیت کامل دارد. هرگونه فعالیت دیگر کشورها در این منطقه فقط و فقط در نتیجه موافقت کشور صاحب آن انجام می‌شود.

آذربایجان راه حل دیگری نیز برای حل مشکل دریای مازندران پیشنهاد می‌کند که عبارت است از راه «دریای باز». این راه بر کنوانسیون حقوق دریایی سازمان ملل متکی است که در سال ۱۹۸۲ تصویب شده و ۱۹ نوامبر سال ۱۹۹۴ وارد عمل شده است. مطابق با این حقوق در مورد دریای مازندران اصل «خط میانه» به کار گرفته می‌شود. یعنی هرکدام از کشورهای مجاور دریا دارای ۱۲ مایل باریکه ساحلی هستند. بعد از این باریکه منطقه اقتصادی انحصاری کشورها آغاز می‌شود. به عقیده کارشناسان، این منطقه حوزه منافع اقتصادی انحصاری کشور ساحلی است و وسعت آن نباید از ۲۰۰ مایل دریایی از مرز آبهای ساحلی این کشور فراتر رود.

لکن با توجه به اینکه حداکثر پهنای دریای مازندران به ۲۰۰ مایل نمی‌رسد، پس مرز

بین منطقه اقتصادی انحصاری کشورهای روبه‌رو - برای حل عادلانه امر و چنانکه در ماده ۳۸ دادگاه بین‌الملل اشاره شده است - براساس قوانین پیرامون خط میانه دریا تعیین می‌شود. مطابق با این مقررات هر کشور در منطقه اقتصادی انحصاری خود به پهنای ۲۰۰ مایل برای انجام اکتشاف، بهره‌برداری و محافظت از ذخایر طبیعی (زیستی و غیرزیستی) در آب دریا و عمق آن حق حاکمیت دارد. تمام کشورهای مجاور و غیرمجاور دریای مازندران حق کشتیرانی و دیگر عملیات مجاز از نقطه نظر حقوق بین‌الملل از جمله تحقیقات علمی در این منطقه را دارند.

به عقیده قزاقستان دریای مازندران نباید به عنوان «دریاچه مرزی» یا «دریای باز» بررسی شود. راه تقسیم دیگر دریا به مناطق اقتصادی از خط میانه آن پیشنهاد می‌شود. در این مناطق کشورها دارای حق انحصاری بهره‌برداری از ذخایر دریا هستند.

در حال حاضر آذربایجان و قزاقستان مطابق با اصل تقسیم دریا و به‌طور یک‌جانبه فعالیت می‌کنند. روسیه، ایران و ترکمنستان این موضع را غیرقابل قبول تلقی می‌کنند.

مطابق با قرارداد بین‌المللی شوروی و ایران مورخ سال ۱۹۴۰، ایران همراه با روسیه دارای اختیارات انحصاری بر دریا است. ایران نیز از اصل بهره‌برداری مشترک از دریا و استفاده برابر کشورهای مجاور از ذخایر آن پیروی می‌کند.

باکو، آلماتا و پایتخت برخی کشورهای غربی معتقدند از آنجا که دیگر کشور واحد شوروی که با ایران قرارداد منعقد کرده بود موجود نیست، پس خود این مدرک به‌طور خودکار باطل می‌شود. با توجه به اینکه بجای شوروی چهار کشور مستقل پدیدار شدند - روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان - پس باید منافع آنها هم در نظر گرفته شود. آنها مطابق با مدارک بین‌المللی جدید که بعد از امضای قراردادهای شوروی و ایران مورخ سالهای ۲۱ و ۴۰ پدیدار شدند، حق حاکمیت بر بخشهای ملی خود در دریای مازندران را دارند. همزمان معمای حقوقی پدیدار می‌شود. با این دو قرارداد نهایتاً چه باید کرد؟ این قراردادها بین شوروی و ایران امضا شده‌اند و روسیه وارث حقوقی شوروی می‌باشد.

یعنی قراردادهای شوروی و ایران تا امروز به نفع روسیه کار می‌کنند. به همین دلیل مسکو از این قراردادها مانند اهرمی برای وارد کردن فشار بر آذربایجان و قزاقستان استفاده می‌کند. لکن موقعیت حقوقی دریای مازندران را نمی‌شود براساس قراردادهای سالهای ۲۱ و



۴۰ تعیین نمود زیرا در آنها فقط از کشتیرانی و ماهیگیری یاد شده بود و مسئله بهره‌برداری از ذخایر کانی از جمله نفت و گاز در آن قرار نگرفته بود.

به همین دلیل کشورهای مجاور دریای مازندران از جمله روسیه دو راه خروج از موقعیت کنونی دارند: یا باید نسبت به دریای مازندران موازین معمول حقوق دریایی به کار گرفته شوند یا فرمول‌بندی حقوقی بین‌المللی جدید این امر تدوین شود. از آنجا که موقعیت حقوقی دریای مازندران متشکل از مجموعه رژیمهای حقوقی است که براساس توافقنامه‌های منعقد شده بین تمام کشورهای مجاور آن در مورد انواع معین فعالیت تعیین می‌شوند، پس می‌توان حتی راه حل «پاکتی - مجموعه‌ای» تعیین موقعیت دریای مازندران را به کار گرفت. در راه «پاکتی - توافقنامه‌ای» امضای چند توافقنامه مهم ضروری است: درباره تعیین و استقرار مرزها در دریای مازندران، درباره بهره‌برداری از ذخایر دریای مازندران، درباره محافظت از ذخایر محیط زیستی مازندران، درباره حقوق کشتیرانی و همکاری در زمینه اکولوژی. متأسفانه جریان تعیین موقعیت حقوقی دریای مازندران یا امضای هرگونه توافقنامه‌ای بخاطر اختلاف نظرات جدید بین کشورهای مجاور دریا عملاً به بن‌بست رسیده است.

ترکمنستان تا این اواخر موضع مشابه با روسیه و ایران داشت و مخالف تقسیم دریای مازندران به قطعات ملی بود. لکن بعد از مجادله دیپلماتیک ماه فوریه سال ۱۹۹۷ با آذربایجان، وقتی مناطق نفت‌خیز آذری و چراغ مورد اختلاف از طرف رئیس‌جمهور نیازوف متعلق به ترکمنستان اعلام شدند، اوضاع تماماً مبهم شد. حالا دیگر معلوم نیست ترکمنستان با کدام طرف است: با ایران و روسیه یا آذربایجان و قزاقستان. البته وزارت امور خارجه ترکمنستان تهدید می‌کند از آذربایجان به سازمان ملل شکایت کند. تحلیلگران می‌گویند علت این اعتراض دیپلماتیک این است که عشق‌آباد مدعی ارضی مرتکب اشتباه استراتژیک شد و به‌طور غیرمستقیم موضع آذربایجان در مورد تقسیم دریای مازندران را مورد حمایت قرار داده است. در هر صورت صفر مراد نیازاف (ترکمن‌باشی) برای چندمین بار چوب دیپلماتهای خود را خورد که حالا سعی دارند به هر نحوی اشتباه خود را برطرف کنند. لکن تغییر موضع ترکمنستان در مورد دریای مازندران مشهود است و به دشواری بتوان این را رد نمود. به این ترتیب اوضاع طوری پیش می‌رود که روسیه ممکن است تنها بماند - بدون ترکمنستان و ایران.



موضع جمهوری اسلامی ایران نیز در این مورد گفتنی است. غلامرضا آقاژاده وزیر سابق نفت ایران در دسامبر سال ۱۹۹۵ در کنفرانس بین‌المللی «دورنماهای بهره‌برداری از میادین نفت و گاز دریای مازندران» در تهران اعلام نمود «ایران در امر شرکت در پروژه‌های بهره‌برداری از میادین نفت و گاز دریای مازندران از منفعت اقتصادی پیروی خواهد کرد و نه فرصت‌طلبی سیاسی». این بدان معنی بود که ایران در شرایط مفید برای خود می‌تواند از اتحاد با روسیه در امر موقعیت حقوقی دریای مازندران پیروی نماید.

کارشناسان معتقدند که تا وقتی موقعیت دریا تعیین نشده بهتر خواهد بود کشورها از اصل محدود کردن منطقه فعالیت‌های اقتصادی در باریکه ۴۵ مایلی و حفظ مناطق خارج از آن برای بهره‌برداری مشترک پیروی نمایند.

اینکه در آینده ممکن است ما شاهد نتایج رفتار وحشیانه با طبیعت منحصر به فرد این حوضه آبی شویم اوضاع را بغرنج‌تر می‌کند. در مورد دریای مازندران باید گفته شود در نتیجه بهره‌برداری تسریع شده نفتی در مناطق ساحلی، گله‌های ماهی خاویار تحت تهدید قرار گرفته‌اند؛ ۸۰٪ ماهی خاویار و خاویار سیاه در مناطق ساحلی در محل ریختن رودخانه ولگا به دریا صید می‌شود. باید یادآوری نمود که یک تن خاویار سیاه هزار بار گرانتر از یک تن نفت است. در ضمن در جریان ملاقات وزرا و رؤسای نهادهای روسیه و آذربایجان در باکو در ماه ژانویه سال جاری مسائل تقسیم مناطق صید ماهی در دریای مازندران نیز بررسی شده بود.

به‌رغم اهمیت شایان اقتصادی، ذخایر انرژی منطقه مجاور دریای مازندران برای غرب تعیین‌کننده نیستند. لکن کشورهای غربی مایلند بر تمام ذخایر مواد اولیه شوروی سابق دسترسی داشته باشند. به همین دلیل نفت دریای مازندران فقط قدم اول در اجرای آن هدف سیاسی است که هر وسیله‌ای را تیرئه می‌کند.

مبالغی که در این بازی روی میز هستند هنگفت می‌باشند، زیرا غرب هرگز از هدف بیرون راندن روسیه از منطقه دریای مازندران دست نخواهد کشید.

ولی روسیه نیز نمی‌تواند از منطقه نفوذ خود در دریای مازندران چشم‌پوشی کند. مسکو «برگه‌های برنده» نیرومندی در دست دارد که برای حفظ منافع آن کافی است. یکی از آنها وارد کار شدن روبل بجای نظامی روس دارای بلندپروازی‌های نظامی - امپریالیستی و حس غیرت کاذب مختص به برخی اشراف روسی است.